

مفهوم‌شناسی محیط در قرآن کریم و نقش تربیتی آن

محمد نجفی**

زهرا عسکرپور*

رضاعلی نوروزی***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

چکیده

هر فرد در محیط‌های گوناگونی قرار می‌گیرد و تربیت و شخصیت او از این محیط‌ها اثر می‌پذیرد. از این رو، این پژوهش، به تبیین نقش محیط در تربیت انسان پرداخته است. برای بیان نقش محیط در قرآن، از روش تحلیل محتوای کیفی متن استفاده شده است؛ به این نحو که پس از مشخص کردن واحدهای تحلیل، انواع محیط تقسیم‌بندی شدند و مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند. طبق آیات به دست آمده، انواع مختلف محیط در دو مقوله اصلی دنیوی و غیردنیوی تقسیم‌بندی شدند. محیط دنیوی شامل دو مقوله فرعی با عناوین محیط انسانی و محیط غیرانسانی است. محیط فردی و محیط جمعی شامل خانواده و جامعه، ذیل محیط انسانی و محیط مشهود شامل طبیعت و جغرافیا و محیط نامشهود شامل ملائکه و شیطان، ذیل محیط غیرانسانی ارائه شدند. در این پژوهش، محیط غیردنیوی نیز در دو حیطه محیط برزخی و محیط اخروی تبیین شد. محیط فردی، خانواده، جامعه، مشهود و نامشهود می‌توانند زمینه‌ساز و آسیب‌زا باشند؛ اما محیط برزخی و اخروی در این پژوهش، تنها در حیطه محیط‌های زمینه‌ساز تربیت معرفی شدند. محیط فردی، محیطی است که فرد هر عملی را نسبت به خود، دیگران و خدا انجام دهد، اثر آن عمل در خود او مشخص خواهد شد. در محیط خانواده، پاکي و صالح‌بودن والدین و به‌خصوص مادر و سنخیت میان آن دو، از عوامل اثرگذار بر تربیت، در محیط جامعه نیز، قلمروهای مختلف اعم از اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و روابط انسانی و اثر آنها بر تربیت، تبیین شد. محیط مشهود بیان کرد که هر حیطه از زمین، اثر متفاوتی بر انسان دارد. همچنین ملائکه با یاری‌رساندن به انسان‌ها و دفع ضرر و بلاها از آنها و شیطان با وسوسه‌کردن انسان و دعوت او به سوی بدی و زشتی در تربیت انسان نقش دارند. در نتیجه نهایی این بحث، هر محیطی که فرد را به خدا نزدیک‌تر کند، برای تربیت، مناسب‌تر است.

کلیدواژه‌ها: محیط؛ تربیت؛ قرآن؛ آموزه‌های قرآنی

* کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران zahra.askarpour510@gmail.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران najafi.md@gmail.com

*** دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران nowrozo.r@gmail.com

مقدمه

یکی از عوامل و شرایط اثرگذار بر تربیت انسان، موقعیت‌های گوناگون مکانی و زمانی و به‌طورکل، محیط است. محیط در لغت به‌معنای احاطه‌کننده، فروگیرنده و چیزی است که اطراف چیز دیگر را بگیرد و همچنین به‌معنای جایی است که انسان در آن زندگانی می‌کند؛ اعم از کشور، شهر، جامعه یا خانواده (عمید، ۱۳۷۴: ۲۱۹۶). محیط در نظر یک ادیب به‌معنای پیرامون و اطراف و احاطه است. درنظر یک جامعه‌شناس، محیط به‌عنوان عوامل فیزیکی و اکولوژی که در ارتباط با عوامل اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرند، مطرح می‌شود (شهادت، ۱۳۶۸: ۲۹). مردم‌شناسی نیز انسان را باتوجه به محیط مطالعه می‌کند و جغرافیای انسانی، محیط را باتوجه به انسان که عامل تغییردهنده آن به‌شمار می‌رود، مطالعه می‌کند (روح‌الامینی، ۱۳۶۴: ۲۶). همچنین، روان‌شناسی محیطی، حیطه‌ای از روان‌شناسی است که مناسبات مشترک بین محیط فیزیکی و رفتار و تجربه انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد (جلیلی، ۱۳۸۹: ۲۹). در اغلب علوم زیستی نیز محیط به‌معنای بستر و زیربناست (شهادت، ۱۳۶۸: ۲۹). بنابراین، هر مکتب و هر مجموعه، باتوجه به محتوای نظام علمی خود، بیش‌خاصی نسبت به محیط دارد و حیطه مشخصی برای آن قائل است.

به‌طورمعمول، محیط از خانواده آغاز می‌شود و همسایگان، همکاران، دوستان و حتی فروشندگان و رهگذران را نیز دربرمی‌گیرد. محیط دست‌کم از دو نفر تشکیل می‌شود و گستره آن تا فضای حکومتی یک کشور و حتی فضای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی تمام جهان ادامه می‌یابد (علوی، ۱۳۸۵: ۲۵۰).

عامل محیط در مفهوم گسترده، دربرگیرنده تمامی شرایط طبیعی و اجتماعی و فرهنگی است که بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد (ربانی و رضایی، ۱۳۸۵: ۵۵). محیطی که انسان در آن قرار می‌گیرد، دارای ویژگی‌های جالب‌توجهی مانند تقلید و الگوپذیری از افراد مختلف است. انسان در طول زندگی، خود را در محیط‌های مختلف احساس می‌کند (علوی، ۱۳۸۵: ۲۵۰). این محیط‌ها می‌توانند منشأ آثار متفاوتی بر تربیت انسان باشند. چنین نیست که محیط‌های مختلف، بارهای تربیتی مشابهی داشته باشند (باقری، ۱۳۹۱: ۱۳۲). این محیط‌ها همانند رودی هستند که اگر فرد خود را در آن رها سازد، ناگزیر در همان مسیری قرار خواهد گرفت که رودخانه آن را تأمین می‌کند (علوی، ۱۳۸۵: ۲۵۱).

از دیدگاه ابن خلدون، یکی از عوامل مؤثر بر اجتماع بشری، اقلیم و محیط است (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۷۴ - ۸۸) و محیطی که فرد در آن رشد و پرورش می‌یابد، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد شخصیت او دارد. ابن مسکویه، یکی از علل و ریشه تفاوت انسان‌ها را، محیط زندگی آنها می‌داند. از نظر وی، محیط زندگی در پیدایش تمایلات، انگیزه‌ها و همچنین رشد استعداد مؤثر است و تفاوت محیط، سبب تفاوت این امور می‌شود (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲ - ۲۳). طبق دیدگاه آدلر، بازتاب‌های محیط در رفتار تمام افراد کاملاً مشهود و بر نگرش‌های آنها اثرگذار است. پس قبل از اینکه درباره فردی قضاوت کنیم، باید موقعیت و شرایط محیطی را که در آن رشد کرده و بزرگ شده است، در نظر گرفت. آدلر به نقش محیط خانواده در تربیت فرد تأکید زیادی دارد و مهم‌ترین اثر را موقعیت فرد در محیط خانواده می‌داند (آدلر، ۱۳۷۹: ۳۰ و ۱۰۷). از منظر روسو، افراد از شرایط مختلف محیطی تأثیر می‌پذیرند (علوی، ۱۳۸۸: ۲۲۱). روسو معتقد است که محیط اجتماعی، مرکز تباهی اخلاق است و تمام بدبختی‌های بشر، به خاطر جامعه و زندگانی شهرنشینی است و کودک قبل از آنکه خوب را از بد تمیز دهد و از عادات ناپسند دوری جوید، زیر نفوذ فساد اجتماعی قرار می‌گیرد و از زندگی ساده و نشاط‌آمیز بی‌بهره خواهد بود (عظیمی، ۱۳۱۸: ۵۱). بنابراین، اثرپذیری انسان از محیط زندگی برای اکثر افراد و مکاتب، امری بدیهی و انکارناپذیر است.

حال باید این موضوع را مورد بررسی قرار داد که از چه منظر و دیدگاهی به محیط و مفهوم آن پرداخت تا نتیجه بهتر و کامل‌تری حاصل شود. باید از منظری به این موضوع پرداخت که زیر پا و جای پای محکمی داشت تا به بررسی محکم و قاطعی رسید. خدای سبحان که نور آسمان‌ها و زمین و محیط بر همه چیز است، برای انسان‌ها نوری ویژه آفریده است که هم خود روشن است و هم روشنگر زندگی انسان‌هاست (جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۳۱). خداوند در آیات قرآن کریم به جامعیت آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: «...و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی است^۱...» (نحل، آیه ۸۹).

محیط نیز که به‌عنوان عاملی اثرگذار بر تربیت انسان‌ها نام برده شد، در قرآن تصریح شده است. از آیه «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین/۱۴)، می‌توان به اصل انطباق با

۱. وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ (نحل/۸۹).

عمل (خود فرد) که به‌عنوان شاخه‌ای از انطباق با محیط است، رسید (سجادی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). از این سخن چنین برمی‌آید که رنگ‌پذیری از محیطی که فرد در آن پرورش می‌یابد را که شامل معاشرت‌ها و الگوها و اجتماعات و گروه‌ها و ملت‌های متفاوت است، می‌توان به‌عنوان عامل مؤثر بر تربیت در قرآن مورد بررسی قرار داد. در این نوشتار سعی بر این است که ابتدا مفهوم محیط در قرآن مورد بررسی قرار گیرد و سپس به‌طور اجمال به اثر آن در تربیت پرداخته شود.

روش پژوهش

این پژوهش قصد دارد مفهوم محیط از منظر قرآن کریم و اثر آن در تربیت را مشخص کند. روش مورد استفاده برای این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های پژوهش از متن است (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۳۲)، همچنین روشی ارزشمند برای تحلیل حجم عظیمی از داده‌های متنی در یک بستر خاص است. هدف این روش، شناسایی مهم‌ترین طبقه‌ها و مقوله‌ها در یک متن و کشف واقعیت اجتماعی نهان در آن متن است. از طریق کدگذاری و مقوله‌بندی می‌توان از توسعه یک نظریه جدید یا یک مدل جدید حمایت کرد و یا نظریات موجود را به بوته آزمایش گذاشت و صحت و سقم آنها را بررسی نمود (مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۸). در این روش، پس از گردآوری اسناد و مشخص شدن اهداف و سؤال‌های پژوهش باید واحدهای بررسی را مشخص ساخت. منظور از واحد بررسی بخش خاصی از محتوا است که نسبت به هدف پژوهش باید به‌طور دقیق انتخاب شود و مورد تحلیل قرار گیرد. واحد بررسی یا واحد تحلیل از یک تحلیل به تحلیل دیگر متفاوت است. گاه مضامین، گاه کلمات و گاه عبارات به‌عنوان واحد بررسی انتخاب می‌شوند (باردن، ۱۳۷۴: ۱۱۷ - ۱۱۹). واحد بررسی یا واحد تحلیل در این پژوهش، کلمات و مضامینی از آیات قرآن کریم هستند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به محیط و اثرگذاری آن در امر تربیت اشاره می‌کنند. در ابتدا واحدهای تحلیل شامل محیط، کلمات مترادف با محیط و مشتقات محیط و مضامین محیط مشخص شده‌اند. پس از مشخص ساختن واحدهای بررسی، در واقع، مقوله‌ها گروهی از واحدهای بررسی شده را که دارای خصوصیات مشترکی هستند، زیر یک عنوان نوعی جمع می‌کنند. همچنین معیار مقوله‌بندی می‌تواند برحسب معنی، ترکیب کلام، لغات و اصطلاحات، تعبیر و توصیف و... باشد (باردن،

۱۳۷۴: ۱۳۵ - ۱۳۶). آخرین مرحله و مهم‌ترین گام در تحلیل محتوای متن، تحلیل و تفسیر گروه‌ها و مقوله‌های به‌دست آمده است.

یافته‌های پژوهش

واحدهای تحلیل

در این مقاله، به‌منظور استخراج واحدهای تحلیل، آیات در دو طیف زیر بررسی شده‌اند:
الف. آیاتی که شامل محیط، مشتقات محیط و مترادف با محیط هستند.
ب. آیاتی که مضمون آنها به محیط اشاره می‌کند.

جدول ۱. واحدهای تحلیل

بقره، ۱۹، ۸۱، ۲۵۵ - آل‌عمران، ۱۲۰ - نساء، ۱۰۸، ۱۲۶ - انفال، ۴۷ - توبه، ۴۹ - یونس، ۲۲، ۳۹ - هود، ۸۴، ۹۲ - یوسف، ۶۶ - اسراء، ۶۰ - کهف، ۲۹، ۴۲، ۶۸، ۹۱ - طه، ۱۱۰ - نمل، ۲۲، ۸۴ - عنکبوت، ۵۴ - فصلت، ۵۴ - فتح، ۲۱ - طلاق، ۱۲ - جن، ۲۸ - بروج، ۲۰	مشتقات محیط (حوط)	مشتقات و مترادفات محیط
بقره، ۱۷، ۲۳۳، ۲۴۰ - آل‌عمران، ۱۵۹ - انعام، ۹۲ - انفال، ۲۴ - توبه، ۱۰۱، ۱۲۰ - اسراء، ۱ - مریم، ۶۸ - شعراء، ۲۵، ۳۴ - نمل، ۸ - عنکبوت، ۶۷ - زمر، ۷۵ - غافر، ۷ - شوری، ۷ - احقاف، ۲۷.	حول	
کهف، ۷۷، ۸۲ - حشر، ۱۴.	جدار	
رعد، ۴۱ - طه، ۱۳۰ - انبیا، ۴۴	اطراف	
بقره، ۱۸۷، ۲۲۹، ۲۳۰ - نساء، ۱۳، ۱۴ - توبه، ۹۷، ۱۱۲ - مجادله، ۴ - طلاق، ۱.	حدود	
توبه، ۵۷، ۱۱۸ - شوری، ۴۷.	ملجأ	
نساء، ۲۰ - مائده، ۶۰ - انعام، ۱۳۵ - اعراف، ۹۵، ۱۴۳ - یونس، ۲۲، ۲۸ - هود، ۹۳، ۱۲۱ - یوسف، ۷۷، ۷۸ - ابراهیم، ۱۷ - نحل، ۱۰۱، ۱۱۲ - مریم، ۱۶، ۲۲، ۵۷، ۷۵ - طه، ۵۸ - حج، ۲۶، ۳۱ - فرقان، ۱۲، ۱۳، ۳۴ - قصص، ۸۲ - سبأ، ۵۱، ۵۲، ۵۳ - یس، ۶۷ - زمر، ۳۹ - فصلت، ۴۴ - ق، ۴۱.	مکان	
بقره، ۱۹۶ - مائده، ۱ - حج، ۳۳ - فتح، ۲۵.	محل	
صافات، ۱۷۷.	ساحت	
اعراف، ۷۴ - حج، ۴۵ - فرقان، ۱۰ - مرسلات، ۳۲.	قصر	

ادامه جدول ۱. واحدهای تحلیل

مأوی	آل عمران، ۱۵۱، ۱۶۲، ۱۹۷- نساء، ۹۷، ۱۲۱ - مائده، ۷۲ - انفال، ۱۶ - توبه، ۷۳، ۹۵ - یونس، ۸ - رعد، ۱۸ - اسراء، ۹۷ - نور، ۵۷ - عنكبوت، ۲۵ - سجده، ۱۹، ۲۰ - جاثیه، ۳۴ - نجم، ۱۵ - حدید، ۱۵ - تحریم، ۹ - نازعات، ۳۹، ۴۱.	مشتقات و مترادفات محیط
جو	نحل، ۷۹.	
وراء	بقره، ۹۱، ۱۰۱ - آل عمران، ۱۸۷ - نساء، ۲۴ - انعام، ۹۴ - هود، ۷۱، ۹۲ - كهف، ۷۹ - مؤمنون، ۷ - احزاب، ۵۳ - شوری، ۵۱ - حجرات، ۴ - حدید، ۱۳ - حشر، ۱۴ - معارج، ۳۱ - انسان، ۲۷ - انشقاق، ۱۰.	
أرض ^۱	بقره، ۱۱، ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۳۰ و ... - آل عمران، ۵، ۲۹، ۸۳ و ... - نساء، ۲۳، ۴۲، ۹۷ و ... - مائده، ۱۷، ۱۸، ۲۱ و ...	
مضامین طیف محیط	بقره، ۹، ۵۷، ۶۱، ۹۰، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۸۴، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۷۲، ۲۸۳، ۲۸۵ - آل عمران، ۱۴، ۲۴، ۲۸، ۶۱، ۶۹، ۷۵، ۹۲، ۱۱۰، ۱۳۵، ۱۶۴، ۱۹۱ - نساء، ۵، ۹، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۸، ۴۹، ۶۹، ۷۴، ۷۷، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۳۹ - مائده، ۳، ۵، ۴۸، ۵۱ - انعام، ۲۶، ۲۶، ۸۶، ۱۲۳، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۵۱ - اعراف، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۵۸، ۶۲، ۱۱۲، ۱۳۳، ۱۳۶ - توبه، ۲۴، ۲۸، ۴۲، ۵۵، ۷۰، ۱۰۳، ۱۰۸ - یونس، ۲۳، ۶۲، ۸۱، ۹۳ - هود، ۲۱، ۱۰۱، ۱۱۳ - یوسف، ۸۳ - رعد، ۸، ۱۱، ۲۳ - ابراهیم، ۳۵، ۳۷ - نحل، ۷۲، ۹۰، ۹۹ - اسراء، ۷، ۳۲، ۱۰۳ - كهف، ۱۰، ۱۹، ۲۸، ۳۴، ۳۶، ۵۰ - مریم، ۱۹، ۵۵ - طه، ۱۰، ۱۶، ۳۹، ۴۰ - انبیا، ۳۷، ۹۰ - حج، ۵ - نور، ۲، ۱۲، ۲۷، ۳۰، ۳۱ - فرقان، ۱۸، ۲۱، ۷۴ - شعراء، ۷، ۵۲، ۱۶۹ - نمل، ۱۹، ۳۴، ۵۴ - قصص، ۷، ۱۲، ۷۸، ۸۳ - عنكبوت، ۴۵ - روم، ۸ - احزاب، ۴، ۱۹، ۳۷ - سبأ، ۱۵، ۱۹ - فاطر، ۲۸ - زمر، ۱۵، ۵۳ - غافر، ۳۸، ۳۹ - فصلت، ۳۰، ۴۶، ۵۳ - شوری، ۵، ۹ - جاثیه، ۲۳ - احقاف، ۱۵، ۲۰ - حجرات، ۱۱ - نجم، ۳۲ - الرحمن، ۲۰ - مجادله، ۲۲ - حشر، ۹، ۱۹ - ممتحنه، ۱، ۶ - تغابن، ۱۶ - تحریم، ۶ - معارج، ۲۳ - اعلی، ۱۴ - بلد، ۱۵ - شمس، ۹ - قدر، ۴.	

مشتقات محیط: محیط مشتق شده از ریشه «حوط» به معنای فراگرفتن (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۹۶) و جایی است که انسان در آن اقامت دارد. زمینی که دور آن دیوار کشیده شده باشد تا جای امنی برای قوم و ستوران آنها باشد را نیز حوط گویند. در علم هندسه حوط به معنای خطی است که در اطراف دایره باشد؛ «الْبَحْرُ الْمُحِيطُ» به معنای اقیانوس و دریایی است که گرداگرد خشکی زمین

۱. این واژه در ۴۴۶ آیه از ۸۲ سوره از قرآن کریم و واژه «الأرض» در ۱۵ آیه از قرآن کریم بیان شده‌اند. بدیهی است بیان تمامی این آیات امری خارج از این پژوهش است. از این رو، محقق به بیان چند مورد از آنها بسنده کرده است.

باشد و به آن که احاطه و مهارت به چیزی دارد «المُحِيطُ بكذا» می‌گویند (مهیار، بی‌تا: ۷۹۳). همچنین حائط، دیواری است که مکان مخصوصی را فراگیرد و احاطه در اجسام به کار می‌رود و حفظ و صیانت نیز از آن استعمال می‌شود. از بین مشتقات حوط: احاط، احاطت، احطت، حاط، احیط، حیطة، یحاط، یحیط، تحط، احط، تحیط و محیط در ۲۷ آیه از قرآن کریم بیان شده‌اند.

محیط (بقره، ۱۹)، (نساء، ۱۲۶)، (هود، ۹۲)، (فصلت، ۵۴) از اسماء الهی است و به معنای احاطه کننده و فراگیرنده که با علم و حفظ قابل جمع است و می‌توان آن را فراگیرنده، عالم و حافظ معنی کرد. بنابراین، چون محیط به جای حافظ نیز به کار می‌رود، شدت حفظ و تمام علم (نساء، ۱۲۶)، (طه، ۱۱۰) را نیز می‌فهماند؛ زیرا معنی اصلی کلمه، فراگیرنده است. همچنین محیط در برخی آیات به معنای حفظ (فصلت، ۵۴)؛ و احاطه در بعضی آیات به معنای علم (کهف، ۹۱)، (طلاق، ۱۲)، (جن، ۲۸) به کار رفته است که معنای اصلی همان فراگرفتن و احاطه است و آن با علم و نگهداری سازگار است. احيطوا (یونس، ۳۹) نیز به معنای احاطه‌نداشتن بر علم است. اطلاق واژه احاطت به کسانی که گناه مثل هاله‌ای اطراف آنها را پوشانده (بقره، ۸۱)، فراگرفتن و احاطه را دربردارد، مراد مراقب و بلایی که شخص را فرا می‌گیرد؛ چنانکه در سوره یس (۹ و ۸) احاطه اعمال به صورت زنجیرها و سدها ذکر شده است. «لَمُحِيطَةً بِالْكَافِرِينَ» (عنکبوت، ۵۴)، (توبه، ۴۹) مبین این است که هم‌اکنون جهنم کفار را فرا گرفته است، ولی متوجه نیستند. فراگرفتن بلا (کهف، ۴۲)، (یونس، ۲۲)، (یوسف، ۶۶) و فراگرفتن عذاب (هود، ۸۴) و فراگرفتن آتش (کهف، ۲۹) نیز در برخی آیات تصریح شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۹۷ - ۱۹۸). برخی آیات به احاطه خداوند بر همه چیز (آل عمران، ۱۲۰)، (نساء، ۱۰۸)، (انفال، ۴۷)، (اسراء، ۶۰)، (فتح، ۲۱)، (بروج، ۲۰) اشاره می‌کند و همچنین بیان کننده این است که تا خدا نخواهد کسی نمی‌تواند بر چیزی احاطه داشته باشد (بقره، ۲۵۵)، (کهف، ۶۸). همچنین آیاتی به فراگرفتن (نمل، ۲۲) و یا فرانگرفتن دانش توسط انسان (نمل، ۸۴) سخن گفته شده است.

حول: حول در ۱۸ آیه از قرآن کریم به کار رفته است. حول در اصل به معنای تغیر شیء و انفصال آن از دیگری است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۹۸)؛ همچنین حول همان تحول در جریان یا حالت و یا صفتی است و از مصادیق تحول، محیط خارج از شیء مانند مکان، صفت و حالت و غیره که همیشه متحول است، می‌باشد و حول در موضوع خارجی، جوانب و اطراف آن است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۷). حول به معنای جانب و طرف شیء (انعام، ۹۲)، (عنکبوت، ۶۷)، (زمر،

(۷۵)، (غافر، ۷)، (نمل، ۸)، (شوری، ۷)؛ و اطراف و پیرامون (بقره، ۱۷)، (آل عمران، ۱۵۹)، (توبه، ۱۰۱ و ۱۲۰)، (اسراء، ۱)، (مریم، ۶۸)، (احقاف، ۲۷) و همچنین به معنای اطرافیان نیز به کار می‌رود. حایل و فاصله نیز به معنای حول است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۹۸ - ۲۰۰).

در بعضی موارد، حول به معنای سال (بقره، ۲۴۰) و دوران به کار رفته است؛ مثلاً در آیه ۲۳۳ سوره بقره، مراد از «حولین» حداکثر شیردادن به طفل یعنی دو سال است و حداقل آن بیست و یک ماه است^۱ (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۳۶). در برخی آیات، آسمان‌ها و موجودات و حول آنها دلیل ربوبیت خدا معرفی شده‌اند؛ چنانکه در سوره طه، آمده است: «گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیز خلقت مخصوص او را عطا کرد و سپس در آن راه تربیتش نمود»^۲ (طه، ۵۰) (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۳۴۱ - ۳۴۲). پس انسان باید متوجه باشد که هرگونه خیر و سعادت مادی و روحی و خزاین همه امور، تحت حکومت و احاطه و سلطه خداوند است^۳ (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۹: ۳۱۴ - ۳۱۵).

جدار: جدار به معنای دیوار است. جمع آن جدر (بر وزن شتر) است. راغب گوید: دیوار را از لحاظ ارتفاع، جدار و از لحاظ اینکه مکانی را احاطه کرده است، حائط گویند (حشر، ۱۴) (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۲). جدار در آیه ۷۷ کهف، دیواری است که به دست خضر(ع) و موسی(ع) تعمیر شد. زیر این دیوار گنجی پنهان بود که صاحب آن، دو کودک یتیم بودند^۴، بنابراین، حفظ اموال یتیمان واجب است^۵ (کهف، ۸۲) (قزائنی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۰۸ و ۲۱۵).

اطراف: اطراف در سه آیه از آیات قرآن کریم آمده است. اطراف به معنای اطراف و پیرامون چیزی و جمع «طرف» به معنای جانب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۳۸). همچنین، اطراف به معنای سرزمین و محیط زندگی قومی است که مورد توجه و عنایت قرار گیرد، خواه از جهت

۱. وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ (بقره، ۲۳۳).

۲. قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمِعُونَ (شعراء، ۲۵).

۳. قَالَ رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (طه، ۵۰).

۴. أَنْ اللَّهُ يَخُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ (انفال، ۲۴).

۵. فَأَنْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَتَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَاراً يُرِيدُ أَنْ يَنْقُصَ فَاقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (کهف، ۷۷).

۶. وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَ كَانَ أَبُوهُمَا صَالِحاً فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَ يَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (کهف، ۸۲).

لطف و محبت و یا از لحاظ دخل و تصرف (رعد، ۴۱)، (انبیاء، ۴۴) (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۲: ۲۰۶). مراد از «أَطْرَافَ النَّهَارِ» نوافل روزانه است که بیان می‌کند اوقات خود را با یاد خدا پرکنیم تا زمینه‌ای برای سایر افکار باقی نماند^۱ (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۴۱۲).

حدود: واژه حدود در ۹ آیه از قرآن به کار رفته است. حدود به معنای نهایت هر چیزی، حایل به حد فاصل میان دو چیز، و طاعت و احکام شرعی خداوند (طلاق، ۱) است (مهیار، بی‌تا: ۳۲۰). همچنین، به معنای تندی و شدت است که در هر مورد به تناسب خود صورت می‌گیرد؛ مانند تندی در چیز برنده، و تندی در اوامر و نواهی که قاطعیت و شدت در آنها وجود دارد (بقره، ۲۲۹ و ۲۳۰)، (مجادله، ۴) (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۲۸۵). تمامی آیاتی که در ذیل «حدود» آورده شده‌اند، اشاره به حدود الهی دارند. مراد از حفظ حدود الهی، احکامی است که قاطعیت و شدت و تندی داشته باشند و همچنین از لحاظ عقل و شرع لازم است که انسان‌ها آن حدود را رعایت کنند و از هر جهت تسلیم و فرمان‌بردار باشد (توبه، ۱۱۲) و برخلاف آن انجام ندهند و مسامحه نداشته باشند. این حدود برای هر موضوعی متناسب با آن تفاوت دارد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۲۸۳ - ۲۸۴ و ج ۵: ۲۸۵).

علاوه بر حفظ حدود الهی، «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا» در آیه ۱۸۷ بقره، نزدیک شدن به حدود و مرزهای خدا را عدم رعایت آنها دانسته است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۴۲)؛ چراکه نزدیک شدن به مرز و سوسه‌انگیز است و گاه سبب می‌شود که بر اثر طغیان شهوات و یا گرفتار شدن به اشتباه، انسان از آن بگذرد. به همین دلیل در بعضی از قوانین اسلامی گام‌نهادن در محیط‌هایی که موجب لغزش انسان به گناه است؛ مانند شرکت در مجلس گناه، هر چند خود آلوده آن گناه نباشد و یا خلوت کردن با مرد و یا زن نامحرم، نهی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۵۲). همچنین در آیه‌های ۱۳ و ۱۴ نساء از حدود الهی و رسول او سخن گفته شده است. آیه ۱۳، یک حکم عام نسبت به همه افرادی است که از خدا و رسول او، پیروی می‌کنند^۲. آیه ۱۴ به عکس آیه قبل، همه افرادی را که خدا و رسول را عصیان کنند، تهدید می‌کند^۳ (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۱۷ -

۱. فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْتَضِي (طه، ۱۳۰).

۲. تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْقَوْلُ الْعَظِيمُ (نساء، ۱۳).

۳. وَمَنْ يُعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (نساء، ۱۴).

۳۱۸). آیه ۹۷ توبه، به هر سرزمین و یا هر قوم و طایفه‌ای اشاره دارد که حدود آنچه را که خدا به پیغمبرش نازل کرده است، ندانند؛ پس ممکن است که انسان در مرکز تمدن و دانش و تربیت زندگی کند، ولی به هیچ طریقی از آثار و امتیازات آن محل بهره‌مند نشده و در برنامه محدود و تمایلات نفسانی خود به زندگی ادامه دهد^۱ (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۲۴۹).

ملجاً: ملجأ از ماده «لجأ» از باب نفع و تعب، به چیزی خود را پناه‌دادن است تا وجود خود را حفظ کند (توبه، ۵۷). پس ملجأ اسم مکان به معنای پناهگاه است و پناهگاه در عالم روحانی و ماورای ماده منحصر به خداوند (توبه، ۱۱۸) است؛ یعنی ملجأ باید به طوری توانا و مقتدر باشد که بتواند خود را از حوادث و ناملایمت‌ها حفظ کرده و دیگری را که به او پناهنده می‌شود، نیز حفظ کند و این توانایی منحصر به خداوند است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۱۶۳). آیه ۴۷ شوری اشاره به عالم آخرت دارد که در آن روز هیچ پناهگاهی برای انسان وجود ندارد و در آن زمان، کسی نمی‌تواند به واسطه عمل و عبادت، موفقیتی حاصل کند؛ زیرا زمان عمل و اطاعت و اختیار تمام شده و زمان نتیجه‌گرفتن و درو کردن محصول و به دست آوردن نتایج اعمال است^۲ (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۵: ۲۲۳).

مکان: واژه «مکان» در ۳۳ آیه از آیه‌های قرآن کریم به کار رفته است. در آیه‌هایی به معنای جایگزین کردن و تبدیل چیزی به چیز دیگر و یا نهادن دومی است در موضع اولی (نساء، ۲۰)، (اعراف، ۹۵)، (نحل، ۱۰۱) (موسوی‌همدانی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۵۲) و به معنای «به جای» (یوسف، ۷۸)؛ و در بعضی آیات به معنای جایگاه و منزلت (مائده، ۶۰)، (یس، ۶۷)، (مریم، ۷۵)، (یوسف، ۷۷)، (قصص، ۸۲)، (فرقان، ۱۳ و ۳۴) است. همچنین در برخی آیات به معنای فاصله (فرقان، ۱۲) به کار رفته است.

«مکان» برقراربودن چیزی است که با قدرت و توانایی همراه است و توانایی و قدرت به اختلاف افراد متفاوت می‌شود و هرکسی در حد صفات ذاتی خود و به اقتضای وجود محدودش، مکان و توانایی داشته و با قدرت می‌تواند فعالیت و افعالی را انجام دهد (انعام، ۱۳۵)، (زمر، ۳۹)، (هود، ۹۳ و ۱۲۱) (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۸: ۱۸۷ و ج ۱۱: ۳۳۷).

«مکان»، به معنای مکان و جا (طه، ۵۸)، (یونس، ۲۸)، (حج، ۳۱)، (مریم، ۲۲)، (ق، ۴۱)،

۱. الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه، ۹۷).

۲. اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ (شوری، ۴۷).

(فصلت، ۴۴)، (سبأ، ۵۱، ۵۲ و ۵۳) نیز به کار می‌رود. آیه ۱۴۳ اعراف، به کوه که تجلی خداوند است، اشاره دارد؛ یعنی خداوند، با چشم ظاهر نه در دنیا و نه در آخرت قابل دیدن نیست. خدا را باید از راه آثار و جلوه‌های او در پدیده‌ها شناخت^۱ (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۷۴). «مَكَانُ الْبَيْتِ» اشاره به مکان خانه خدا دارد. خانه کعبه و اطراف آن را باید از هرگونه آلودگی ظاهری و معنوی پاک و پاکیزه نگاه داشت، تا بندگان خدا در این مکان پاک جز به خدا نیندیشند و مهم‌ترین عبادت این سرزمین را که طواف و نماز است در محیطی پیراسته از هرگونه آلودگی انجام دهند^۲ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۶۸). «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» (مریم، ۱۶)، اشاره به مکانی خالی و فارغ از هرگونه دغدغه و پاک و آرام دارد که انسان به راز و نیاز با خدای خود بپردازد و چیزی او را از یاد محبوب غافل نکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۳). منظور از «وَرَفَعْنَا مَكَانًا عَلِيًّا» (مریم، ۵۷)، «بالاترین مکان بلند» که همان قرب الهی در جهت روحی و معنوی است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۳۱۱). همچنین، «مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» به معنی از هر جهت، از هر جا و یا از هر طرف و اطراف و جوانب (نحل، ۱۲)، (یونس، ۲۲)، (ابراهیم، ۱۷) است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۱۳۴).

محل: محل اسم مکان از ماده حلول که به معنای نزول است و این معنی از مفهوم آزاد شدن و برطرف‌گشتن ممنوعیت و گشوده‌شدن آن است (مانده، ۱)، (حج، ۳۳)؛ زیرا در نزول، برنامه حرکت و کار به پایان رسیده و ساعت فراغت و آزادی فرامی‌رسد. مراد از «مَجَلَّة» در آیه ۱۹۶ سوره بقره^۳ و آیه ۲۵ سوره فتح^۴، مکانی است که در مراسم حج، قربانی در آن ذبح می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۵). این آیات اشاره به سهم و نقش مکان در عبادت‌ها دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۱۲).

ساحت: ساحت به معنای صحن و فضا است. عبارت «بِسَاحَتِهِمْ» در آیه ۱۷۷ سوره صافات به کار

۱. وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَ رَبَّهُ قَالَ رَبِّ ارْنِي بِحُجَّتِكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (اعراف، ۱۴۳).
 ۲. وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرَّكْعِ السُّجُودِ (حج، ۲۶).
 ۳. وَ اتَّيَمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لَا تَخْلِفُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَجَلَّةً (بقره، ۱۹۶).
 ۴. هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّةً وَ لَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَ نِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيكُكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (فتح، ۲۵).

رفته است. این آیه در جواب مشرکان است که در مقابل وعده عذاب از جانب پیامبر(ص) گفتند: «مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس، ۴۸)؛ آیه ۱۷۷ سوره صافات، در جواب می‌فرماید: عذاب ما را به عجله نخواهند زیرا چون به محیطشان نازل شود، روزگارشان را سیاه خواهد کرد^۱ (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۹۳). پس ساحت اشاره به محیط زندگی دارد.

قصر: قصر به معنای خانه و عمارت (حج، ۴۶) است. طبرسی فرموده: قصر خانه‌ای دارای حصار است که در آن مقصور و محبوس است. در قاموس و اقرب گفته: قصر به معنای منزل و هر اطاقی است که از سنگ بنا شده باشد. در اقرب: عمارت رفیع نیز گفته است. جمع قصر، قصور (اعراف، ۷۴)، (فرقان، ۱۰) به معنای خانه‌های بزرگ و یا کاخ (مرسلات، ۳۲) است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۱).

آیه ۷۴ سوره اعراف، رابطه زندگی دنیایی و ظاهری قوم «تمود» را نشان داده است. منظور از «تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا»، مکان دادن این قوم در سرزمین نرم و سخت (سهل و جبل) است که در زمین‌های نرم و هموار مشغول ساختن خانه‌ها شدند و در کوهستان، از ارتفاع کوه برای ساختن خانه خود استفاده کردند. باینکه آنها یقین داشتند که زندگی مادی و دنیایی ثابت و همیشگی نیست؛ اما بازهم فریب ظاهر دنیا را خوردند و از نعمت‌هایی که خدا عطا فرموده و از زندگی روحی غافل شدند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۹: ۲۹). «وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» در آیه ۴۶ سوره حج، اشاره به قریه دارد و مراد از قصر، کاخ و عمارت است. به این معنا که بسیاری از قریه‌ها و اهل آن، به خاطر ظالم بودن، هلاک شدند. مقصود از اهل چاه‌ها، ده‌نشین‌ها و مقصود از کاخ‌نشین‌ها، شهری‌ها هستند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۴۸). قصر در آیه ۱۰ سوره فرقان، به معنای بنایی است که محکم و بلند باشد^۲ (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۱۱۳). این آیه اشاره به زندگی دنیایی پیامبر(ص) دارد و بیان می‌دارد که فقر و غنا به دست خداوند است و زهد و سادگی برای انبیا، شایسته و زندگی کاخ‌نشینی دور از شأن انبیاست (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۲۲۹ - ۲۳۰).

مأوی: مأوی، اسم مکان و از «أوی»، به معنای جایگاهی است که در آن ساکن می‌شوند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۴۵)؛ همین‌طور به معنای سیر کردن به سوی مقامی است که به نظر استراحت و استقرار

۱. فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ (صافات، ۱۷۷).

۲. تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ يَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا (فرقان، ۱۰).

است، خواه مقامی مادی باشد یا مقام معنوی (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۸۰). تقریباً آیات این طیف، به جایگاه و مقام افراد در بهشت (آل عمران، ۱۶۲)، (نازعات، ۴۱)، (سجده، ۱۹) و یا دوزخ (نساء، ۱۲۱)، (نازعات، ۳۹) و یا جهنم (آل عمران، ۱۵۱؛ ۱۶۲ و ۱۹۷)، (اسراء، ۹۷)، (تحریم، ۹)، (رعد، ۱۸)، (سجده، ۲۰)، (انفال، ۱۶)، (توبه، ۷۳ و ۹۵) و آتش (مائده، ۷۲)، (نور، ۵۷)، (جاثیه، ۳۴)، (حدید، ۱۵)، (یونس، ۸) دلالت دارد و افرادی که در این گروه‌ها هستند، از نظر جایگاه با یکدیگر تفاوت دارند (مترجمان، ۱۳۶۰، ج ۴: ۳۲۴).

آیه ۹۷ سوره نساء، به جایگاه و محل استقرار گروهی اشاره دارد که خود را ضعیف و ناتوان دانسته که امکانات و وسایل زندگی نداشته‌اند. آیه پاسخ می‌دهد که مگر زمین خدا وسیع نبود، پس چرا هجرت نکرده و زندگی خود را وسعت نداده‌اید؟ چرا از محیط محدود خود که آزادی نداشته‌اید به جاهای دیگر و آبادی‌های بهتر نرفته‌اید؛ یعنی همان‌طور که انسان‌ها برای کسب مال و ثروت مسافرت می‌کنند، باید برای به دست آوردن مقامات روحانی و تکمیل نفس و رسیدن به قرب الهی نیز از محیط محدود بیرون رفت (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۱۵۲ - ۱۵۴). پس محیط و جوّ اکثریت بر انسان مؤثر است، لذا انسان باید با هجرت، فشار محیط را درهم بشکند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۶۳). آیه ۲۵ سوره عنکبوت، حال و روز کسانی را بیان می‌کند که در بت‌پرستی به مسئله عاطفه متوسل شده‌اند و همان‌طور که پدران آنها بت‌پرست بوده‌اند، آنها با تأثیرپذیرفتن از پدران و گذشتگان و محبت آنها، بت‌پرست شده‌اند.^۱ نظیر این سخن در آیه‌های ۲۲ سوره زخرف،^۲ ۵۳ سوره انبیاء^۳ و ۷۴ سوره شعراء^۴ آمده است. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۱۲۶ - ۱۲۷).

جوّ: جوّ به معنای هواست. از راغب نقل شده است که سماء، مطلق و عام است و جوّ قسمتی از آن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۹۰). جوّ در آیه ۷۹ سوره نحل به معنای فضای آسمان است. این آیه به معنای این است که در مسخر بودن مرغان در جوّ آسمان، برای مردم آیت‌ها و نشانه‌هایی است تا

۱. إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (نساء، ۹۷).

۲. وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَبِغَضٍ وَبِغَضٍ وَ مَأْوَاكُم النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ (عنکبوت، ۲۵).

۳. بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ (زخرف، ۲۲).

۴. قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (انبیاء، ۵۳).

۵. قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (شعراء، ۷۴).

ایمان بیاورند^۱ (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۵۴).

وراء: وراء به معنای پس و پیش است (امام و خلف) و در هر دو به کار می‌رود. چنانکه راغب و دیگران تصریح کرده‌اند، در اقبالموارد گوید: آن از اضداد است. طبرسی معنای اصلی آن را «پس» می‌داند و در جلو و پیش به طور اتساع به کار رفته است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۲۰۴). اکثر آیات ذکر شده در جدول، اشاره به پیش و پس دارند. در برخی آیات نیز در اجسام و اماکن به کار رفته است، همانند آیه ۱۴ سوره حشر^۲.

أرض: این کلمه که مراد از آن کره زمین است در قرآن همیشه به لفظ مفرد و در روایت و نهج البلاغه به لفظ جمع (أَرْضُونَ، أَرْضِينَ) نیز آمده است، اما اینکه در قرآن همواره مفرد آمده، به احتمال قوی علت آن است که آنچه غیر از زمین است، نسبت به ما آسمان محسوب می‌شود؛ مثلاً مریخ. کلمه أرض همان طور که به تمام کره زمین اطلاق شده، به بعضی از آن نیز گفته شده است: «ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ» (مانده، ۲۱)؛ «فَلَنْ أُبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي» (یوسف، ۸۰)؛ «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ» (قصص، ۸۱)، مراد از الارض در آیه اول سرزمین فلسطین و در دومی سرزمین مصر و در سومی محلی است که قارون و خانه‌اش در آن فرو رفت. در ادامه تعدادی از آیات مهم این واژه بیان خواهد شد. مثلاً آیه ۳۰ سوره انبیا بیان کرده: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا»؛ به این معنا که زمین و آسمان‌ها در ابتدای خلقت، همه بسته و یک چیز بودند و در اثر انبساط تدریجی وسعت یافته و از هم جدا شده‌اند. طبق آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت: «قُلْ أَأَنْتُمْ لَنْتَكْفُرُونَّ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ. وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيًا مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَّ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ. ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ. فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ»؛ زمین در دو روز یا دو دوران و پیش از آسمان‌های هفت گانه آفریده شده است. همچنین، آیه ۵۴ سوره آل عمران «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»، بیان می‌دارد که زمین با آسمان‌های هفت گانه‌اش که طبقات هفت گانه جو هستند، در شش روز یا شش دوران آفریده شده‌اند. همچنین تعدادی آیات همانند «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» (ابراهیم، ۴۸)؛ «وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً»

۱. أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (نحل، ۷۹).

۲. لَا يِقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ (حشر، ۱۴).

(حاقّة، ۱۴) بیان کرده‌اند که زمین در آینده قیامت کوبیده و ریزریز خواهد شد و به زمین غیر از این مبدل خواهد شد (به زمین انبساط یافته) و نتیجه این انبساط و اتّسع مافوق تصور انسان است (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۹-۶۵).

مقوله‌بندی

همان‌طور که بیان شد، در این قسم از پژوهش، واحدهای تحلیل مرتبط با یکدیگر زیر یک مفهوم جمع می‌شوند. آیات در این پژوهش براساس انواع مختلف محیط مقوله‌بندی می‌شوند. محیط مفهوم بسیار بسیط و مفصلی است که انواع مختلفی را دربرمی‌گیرد. با نگاهی به آیه‌های به‌دست آمده در قسمت واحدهای تحلیل، می‌توان آنها را در دو قسمت دنیوی و غیردنیوی قرار داد. بنابراین، تقسیم‌بندی در این پژوهش، براساس دو حیطه محیط دنیوی و محیط غیردنیوی است که این دو محیط نیز، زیرمقوله‌هایی را شامل می‌شوند. آیات مربوط به این دو محیط و زیرمقوله‌های آنها، در ذیل بیان شده و در ادامه تبیین خواهند شد:

جدول ۲. مقوله‌بندی

مقوله اول: انواع محیط	محیط دنیوی	محیط انسانی	محیط فردی	بقره، ۱۹، ۱۹، ۵۷، ۹۰، ۱۰۲، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۸۷، ۱۹۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۴، ۲۷۲، ۲۸۳، ۲۸۵ - آل عمران، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۵، ۷۵، ۹۲، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۶۴، ۱۹۱ - نساء، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۳، ۱۲۸ - مائده، ۴۸، ۱۰۵ - انعام، ۲۶، ۱۲۳ - اعراف، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۷۷ - انفال، ۲۴، ۲۷ - توبه، ۴۲، ۷۰ - یونس، ۳، ۲۲، ۲۳، ۶۲ - هود، ۲۶، ۹۲، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۲۱ - یوسف، ۸۳ - رعد، ۴۱ - نحل، ۷۸ - اسراء، ۷، ۶۰ - کهف، ۳۶، ۹۱ - طه، ۱۶، ۱۳۰ - انبیا، ۳۳، ۳۷، ۴۴ - نور، ۲، ۱۲ - فرقان، ۲۱ - شعراء، ۷ - قصص، ۷۸، ۸۳ - عنكبوت، ۴۵ - روم، ۸ - احزاب، ۱۹ - سبأ، ۱۹ - یس، ۳۵، ۳۶ - زمر، ۵۳ - فصلت، ۴۶، ۵۳، ۵۴ - شوری، ۹، ۴۳ - جاثیه، ۱۳، ۲۳ - احقاف، ۲۷، ۳۷ - حجرات، ۱۱ - ذاریات، ۲۱ - نجم، ۳۲ - حشر، ۹، ۱۹ - ممتحنه، ۶ - تغابن، ۱۶ - طلاق، ۱۲ - معارج، ۲۳ - انفطار، ۷ - بروج، ۲۰ - شمس، ۹.
			محیط خانواده	بقره، ۶۱، ۱۲۶، ۲۳۳ - آل عمران، ۶۱ - نساء، ۱، ۲۵، ۹۸، ۱۰۰ - مائده، ۳، ۵ - انعام، ۸۶، ۱۲۱، ۱۳۷، ۱۴۲ - اعراف، ۵۸ - توبه، ۵۵ - هود، ۴۸ - یوسف، ۴، ۲۳، ۸، ۷۰، ۸۰، ۹۹ - رعد، ۸، ۱۱، ۲۳ - ابراهیم، ۳۵، ۴۰ - نحل، ۷۲ - اسراء، ۶ - کهف، ۱۰، ۱۹، ۴۶، ۸۲ - مریم، ۲۸، ۵۵ - طه، ۵، ۱۰، ۳۹، ۴۰، ۱۳۱، ۱۳۲ - انبیا، ۹۰ - حج، ۵ - مؤمنون، ۵۰ - نور، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۵۸ - فرقان، ۷۴ - شعراء، ۱۶۹ - قصص، ۷، ۱۲، ۱۳ - احزاب، ۳۷ - صافات، ۱۰۰، ۱۰۲ - زمر، ۱۵ - احقاف، ۱۵ - طور، ۲۶ - تحریم، ۶.
			محیط اجتماعی	بقره، ۱۰۲، ۱۵۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۸۴، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۴۷ - آل عمران، ۴، ۲۸، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۹۶، ۱۹۷ - نساء، ۳، ۵، ۹، ۲۶، ۲۹، ۶۹، ۹۷، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۴ - مائده، ۵۱، ۵۷ - انعام، ۱۲۳، ۱۵۱ - اعراف، ۳۱، ۶۲، ۸۰، ۹۶، ۱۱۲، ۱۳۸، ۱۶۹، ۱۷۶ - انفال، ۷۲ - توبه، ۲۴، ۲۸، ۵۵، ۷۱، ۱۰۳، ۱۰۸ - یونس، ۸۱ - هود، ۲۶، ۴۶، ۸۴، ۱۱۷ - نحل، ۴۱، ۹۰، ۱۱۲ - اسراء، ۱، ۳۲، ۱۰۳ - کهف، ۳۴، ۵۰، ۶۶، ۷۷ - مریم، ۱۶ - طه، ۱۳۱ - حج، ۲۶ - نور، ۳۳ - فرقان، ۱۸ - شعراء، ۵۲، ۵۳، ۷۴ - نمل، ۱۹، ۳۴، ۵۴ - قصص، ۴، ۱۲، ۷۹ - عنكبوت، ۴۵ - احزاب، ۴، ۲۸، ۶۰ - فتح، ۲۵ - فاطر، ۲۸ - نجم، ۲۵ - مجادله، ۲۲ - ممتحنه، ۱۳، ۱ - الحاقه، ۲۸، ۲۹ - بلد، ۱۵ - علق، ۴، ۵.
			مشهور	نساء، ۱۰۰ - اعراف، ۷۴، ۱۶۱ - توبه، ۹۷ - یونس، ۲۴، ۹۳ - ابراهیم، ۳۷ - انبیا، ۷۱ - نمل، ۶۰ - عنكبوت، ۶۷ - لقمان، ۱۰، سبأ، ۱۵، ۱۶ - نیا، ۱۵، ۱۶ - عبس، ۲۸ تا ۳۲.
محیط غیر انسانی	نامشهور	بقره، ۱۶۸، ۱۶۹ - نساء، ۳۸ - انعام، ۱۲۱ - اعراف، ۲۷ - رعد، ۱۱ - ابراهیم، ۲۲ - نحل، ۶۳، ۹۹، ۱۰۰ - کهف، ۵۰ - مریم، ۱۹ - حج، ۳۱ - عنكبوت، ۳۸ - سبأ، ۲۰، ۲۱ - غافر، ۷ - فصلت، ۳۰ - شوری، ۵ - زحرف، ۳۶ - قدر، ۴.		
محیط غیر دنیوی	برزخی	بقره، ۱۵۴ - غافر، ۴۶ - احقاف، ۲۰ - الرحمن، ۲۰.		
	آخری	بقره، ۱۱۰، ۲۰۱ - آل عمران، ۱۵۲، ۱۸۵ - نساء، ۷۴، ۷۷، ۱۳۶ - انعام، ۳۲ - نحل، ۱۰۷ - نمل، ۴ - عنكبوت، ۶۴ - غافر، ۳۸، ۳۹.		

۱. برزخ در بازه زمانی این دنیا است، اما چون انسان‌ها در آن محیط زنده نیستند و مبنای تقسیم‌بندی براساس حیطه‌های مختلف حیات است پس در زیرمجموعه محیط غیردنیوی قرار گرفته است.

محیط دنیوی

همان‌طور که بیان شد، محیط انواع گوناگونی دارد؛ یکی از این محیط‌ها، محیط دنیوی است. دنیا به معنای زندگی کنونی است و این واژه متناقض آخرت است (بستانی، بی‌تا: ۳۹۹). آیات قرار گرفته در این حیطه، اثر دنیا بر تربیت انسان را پوشش می‌دهند. محیط دنیایی شامل دو زیرمقوله اصلی: محیط انسانی و محیط غیرانسانی است. محیط انسانی، شامل محیط فردی و جمعی است و محیط غیرانسانی، محیط طبیعی و نامشهود را شامل می‌شود. در ادامه هر یک از این زیرمقوله‌ها تبیین می‌شوند:

محیط انسانی

آنچه منسوب به انسان و روابط اوست، ذیل این محیط قرار می‌گیرد. محیط انسانی، محیطی است که دو محیط فردی و محیط جمعی را شامل می‌شود. با تبیین و توضیح و بسط این دو محیط، محیط انسانی تبیین می‌شود.

محیط فردی

در این حیطه، آیات به رفتار و کردار فرد اشاره دارند که ناشی از اختیار خود او هستند. این آیات حیطه‌ای از تربیت را بیان می‌کنند که تنها محیط خارج از فرد بر او اثرگذار نیست و محیطی که فرد حول خود، برای خویش مشخص می‌کند نیز بر او اثرگذار است و در این محیط با انجام اعمالی، چه خوب و چه بد، می‌تواند بر خویش اثر گذاشته و خود را پرورش دهد و اثر آن عمل را در شخصیت خود مشاهده نماید. آیات به دست آمده توسط محقق، در سه حیطه رابطه فرد با خود، با دیگران و با خدا و یک حیطه مشاهده آیات الهی، قرار گرفته‌اند. در حیطه اخیر، انسان رابطه مشخصی اعم از کفر یا شکر خدا را ندارد؛ اما وی با مشاهده آیات الهی، به وجود خدا پی می‌برد. از این رو، آیات این حیطه در قسم مجزایی تبیین شده‌اند.

- رابطه فرد با خود، بیان می‌دارد که انسان هر عملی انجام دهد، اثر آن عمل در روح و روان و حتی جسم او پدیدار خواهد شد و آن عمل، فرد را از تربیت صحیح باز داشته و یا در مسیر صحیح تربیت قرار می‌دهد. در واقع فرد در محیط فردی خویش، با انجام این اعمال در "خود" اثر گذاشته و خود را تربیت می‌کند. در این طیف می‌توان به هماهنگی میان جسم و روح (بقره، ۹)؛ هوای نفس (یوسف، ۸۳)، (طه، ۱۶) و (جاثیه، ۲۳)؛ علم (بقره، ۱۰۲) و (قصص، ۷۸)؛ صبر (بقره، ۱۵۵)؛

خود برترینی (آل عمران، ۲۴) و (قصص، ۸۳)؛ گناه (آل عمران، ۱۳۵)، (اعراف، ۲۳)، (سبأ، ۱۹)، (زمر، ۵۳) و (اعراف، ۱۳۳)؛ هدف مندی (بقره، ۱۴۸) و (مائده، ۴۸)؛ تزکیه نفس (اعلی، ۱۴)، (شمس، ۹)، (نجم، ۳۲) و (نساء، ۴۹)؛ خیال‌ها و آرزوها (نساء، ۱۲۳)، (کهف، ۳۶) و (فرقان، ۲۱)؛ بخل (نساء، ۱۲۸)، (احزاب، ۱۹) و (حشر، ۹)؛ برهنگی (اعراف، ۲۷)؛ اسراف (اعراف، ۳۱) و (زمر، ۵۳)؛ شتاب زدگی (انبیاء، ۳۷) اشاره کرد.

- رابطه فرد با دیگران، مجموعه رفتار و اعمالی را بیان می‌کند که فرد نسبت به دیگران انجام می‌دهد و آثار این رفتار و اعمال به خود او بازگردانده می‌شوند و در شکل‌گیری شخصیتش اثر می‌گذارند. در این طیف می‌توان به نیرنگ (انعام، ۱۲۳) و (بقره، ۹)؛ انفاق (بقره، ۲۷۲)، (تغابن، ۱۶)، (بقره، ۲۶۴)، (بقره، ۱۹۵)، (بقره، ۲۵۴) و (آل عمران، ۹۲)؛ انحراف دیگران (نساء، ۱۱۳)، (آل عمران، ۶۹) و (فصلت، ۴۶)؛ امر به معروف و نهی از منکر (مائده، ۱۰۵)؛ خیانت (نساء، ۱۰۷) و (اسراء، ۷)؛ اغماض با مؤمنان و مقابله با کافران (نور، ۲)؛ طعنه زدن (حجرات، ۱۱)؛ حسن ظن (نور، ۱۲)؛ ریا (بقره، ۲۶۴)؛ امانت‌داری (بقره، ۲۸۳) و (آل عمران، ۷۵)؛ دروغ (توبه، ۴۲) اشاره کرد.

- در رابطه فرد با خدا، انسان اعمالی را انجام می‌دهد که او را به خدا نزدیک‌تر کرده و باعث پرورش بهتر او شده و یا او را از خدا دورتر کرده و سبب پرورش ناصحیح او می‌شود. در این طیف می‌توان به فراموش کردن پروردگار (بقره، ۹۰)، (حشر، ۱۹) و (هود، ۱۲۱)؛ اطاعت و یا نافرمانی پروردگار (بقره، ۵۷)، (توبه، ۷۰)، (یونس، ۲۳)، (هود، ۲۱) و (هود، ۱۰۱)؛ رعایت حدود الهی (بقره، ۱۸۷)، (بقره، ۲۲۹) و (بقره، ۲۳۰)؛ آزمایش‌های الهی (بقره، ۱۵۵) و (اسراء، ۶۰)؛ طلب بخشش از پروردگار (بقره، ۲۸۵)؛ ذکر و یاد خدا (آل عمران، ۱۹۱)، (عنکبوت، ۴۵)، (معارف، ۲۳)، (یونس، ۲۲)، (انعام، ۲۶) و (آل عمران، ۱۶۴)؛ ولایت خدا (یونس، ۶۲)، (هود، ۱۱۳)، (شوری، ۹) و (ممتحنه، ۶) اشاره کرد.

- مشاهده آیات الهی، به مشاهده نشانه‌های الهی در زمین و هماهنگی میان عناصر طبیعت که مخلوق خداوند هستند، تأکید می‌کند. نتیجه این حیطه از محیط، در تربیت انسان پدیدار می‌شود و انسان با دیدن آیات و نشانه‌ها، به وجود خالق خویش پی‌برده و برای کسب رضایت و قرب او تلاش خواهد کرد. آیاتی چون (شعراء، ۷)، (فصلت، ۵۳)، (روم، ۸) و (احقاف، ۲۷) در این طیف قرار می‌گیرند.

باید اظهار داشت که بسیاری از موارد ذکر شده در ذیل هر قسمت را می‌توان در قسم‌های دیگر

بیان کرد؛ مثلاً بخل یا امانت‌داری. انسان هم می‌تواند نسبت به اعضا و جوارح خویش و هم نسبت به دیگران و هم نسبت به خدا امانت‌دار باشد. اما با توجه به آیات به‌دست آمده در این مورد، در حیطه رابطه با دیگران قرار گرفته است. همچنین لازم است این مطلب یادآوری شود که آیات این طیف توسط محقق جمع‌آوری شده‌اند و بدیهی است که عوامل دیگری از قبیل آنچه ذکر شد، در این حیطه قرار می‌گیرند که بیان نشده‌اند.

محیط جمعی

جمع‌ریال مخالف فرد است. مردم متفاوت و ناهمگونی که یکپارچه هستند و در یک‌جا جمعند (راغب‌اصفهان‌ی، بی‌تا، ج ۱: ۴۱۰)، محیط جمعی را تشکیل می‌دهند. محیط جمعی در این پژوهش، در دو محیط خانواده و اجتماع تبیین می‌شود. هر کدام از این محیط‌ها، حیطه‌های مختلفی را در برمی‌گیرند که ذیل هر محیط، توضیح داده خواهند شد.

محیط خانواده

این طیف از محیط، بیان‌کننده اثر و نقش محیط خانه و خانواده بر فرد است. یکی از ویژگی‌های محصول پاک یعنی فرزند خوب و صالح، سرزمین پاک یعنی محیط خانواده است^۱ (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۸۷)؛ زیرا به‌طور معمول، هر فرد پس از تولد در محیط خانواده قرار می‌گیرد و اولین اثرات تربیتی را از خانواده دریافت می‌کند. همچنین عنصر وجودی فرد در خانواده، قبل از اینکه پا به این دنیا بگذارد، با ازدواج پدر و مادر، شکل می‌گیرد. بنابراین، پدر و مادر، مسئول خانواده خویش هستند «وَأَهْلِيهِمْ» (زمر، ۱۵)؛ و تلاش آنها باید در راستای تربیت صحیح و ایجاد شخصیت سالم در فرزندان باشد. با توجه به آیات به‌دست آمده توسط محقق، محیط خانواده قبل از تولد فرد و محیط خانواده بعد از تولد فرد بر تربیت او اثرگذار است.

- در محیط خانواده قبل از تولد فرد، سنخیت میان والدین (نحل، ۷۲)؛ صالح بودن والدین (انبیاء، ۹۰)؛ عفت و پاکدامنی زن و مرد (نور، ۳۰) و (نور، ۳۱)؛ و همچنین تأکید بر نقش مادر (حج، ۵)، (رعد، ۸)، (انعام، ۸۶)، (مائده، ۵) و (نساء، ۲۵) را می‌توان از جمله عوامل مؤثر بر تربیت انسان، قبل از تولد او برشمرد.

- در محیط خانواده بعد از تولد فرد، مادر (طه، ۳۹ و ۴۰)، (قصص، ۷) و (بقره، ۲۳۳)؛ پدر

۱. وَ الْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَمْ يَخْرُجْ إِلَّا نَكِثًا (اعراف، ۵۸).

(تحریم، ۶)، (کهف، ۸۲) و (طه، ۱۰)؛ محبت (رعد، ۲۳)؛ تبعیض (آل عمران، ۶۱)؛ طعام (نحل، ۷۲)، (کهف، ۱۹)، (انعام، ۱۴۲)، (بقره، ۶۱) و (مائده، ۳)؛ اعتقادات (احزاب، ۳۷)، (مریم، ۵۵)، (ابراهیم، ۳۵)، (احقاف، ۱۵) و (فرقان، ۷۴)؛ فرهنگ (انعام، ۱۳۷) و (احزاب، ۳۷)؛ اقتصاد (توبه، ۵۵)؛ محیط داخلی خانه (نور، ۲۷)؛ محیط خارجی خانه (ابراهیم، ۳۵)، (کهف، ۱۰)، (شعراء، ۱۶۹) و (نساء، ۱۰۰) را می‌توان از جمله عوامل مؤثر بر تربیت انسان، بعد از تولد او برشمرد.

محیط جامعه

این طیف از محیط‌های دنیایی، اثر و نقش محیط جامعه بر تربیت انسان را بیان می‌کند. طبق آیات به دست آمده توسط محقق، جامعه از گستره و قلمروهای مختلفی اعم از اجتماعی، روابط انسانی، آموزشی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تشکیل شده و هر کدام از آنها، اثرات متفاوتی را بر انسان اعمال می‌کنند. بنابراین، برای شناخت اثر و نقش حیطه جامعه بر تربیت انسان، باید قلمروهای مختلف این محیط را مورد تبیین قرار داد. در ادامه، قلمروهای مختلف محیط جامعه به طور اجمال در ذیل بیان شده‌اند:

- قلمرو اجتماعی، یکی از قلمروهای تشکیل دهنده محیط جامعه است. اجتماع به معنای گردهم آمدن است و آنچه را منسوب به اجتماع باشد، اجتماعی گویند. از این رو، زندگی اجتماعی به مردمی که مصالح مشترک دارند، اطلاق می‌شود (بستانی، بی تا: ۱۵). امنیت (بقره، ۱۲۶) و (نحل، ۱۱۲)؛ فحشاء (انعام، ۱۵۱)، (نحل، ۹۰)، (اسراء، ۳۲) و (نمل، ۵۴)؛ فساد (بقره، ۲۲۰)، (بقره، ۲۰۵)، (یونس، ۸۱) و (شعراء، ۵۲)؛ اصلاح اجتماع (نمل، ۱۹) و (نحل، ۹۰)؛ اجتماع بی طبقه (کهف، ۲۸) را می‌توان از موارد اثرگذار تربیت در قلمرو اجتماعی دانست.

- قلمرو انسانی و روابط انسانی، یکی دیگر از حیطه‌های تشکیل دهنده محیط است. این حیطه دو نوع رابطه را بیان می‌کند: یکی این است که اگر انسان در قالب آن شخصیت مانند یتیم (بقره، ۲۲۰)، (بلد، ۱۵) و (نساء، ۹) و فرزندخوانده (احزاب، ۴) قرار بگیرد، دیگران چه اثری در تربیت او دارند و باید چگونه با او رفتار کنند؛ و حیطه دوم، روابطی را بیان می‌کند که بر انسان اثرگذار است. دایه (قصص، ۱۲)؛ خویشاوندان (مجادله، ۲۲)؛ دوست (مائده، ۵۱)، (آل عمران، ۲۸)، (کهف، ۵۰)، (نساء، ۱۳۹)، (نساء، ۶۹) و (ممتحنه، ۱)؛ مربی (اعراف، ۶۲)؛ عالمان (اعراف، ۱۷۶) و (فاطر، ۲۸) از موارد اثرگذار بر تربیت در حوزه روابط انسانی‌اند.

- قلمرو آموزشی، محیطی را بیان می‌کند که در آن آموزش و تدریس و پرورش صورت

می‌پذیرد. این محیط اهمیت زیادی در تربیت انسان دارد و بخش زیادی از شخصیت و خلق و خوی انسان توسط محیط آموزشی شکل می‌گیرد. قرآن اهمیت تربیت را بیش از تعلیم می‌داند: «يُزَكِّكُمُ وَيُعَلِّمُكُمُ» (بقره، ۱۵۱). اهمیت آموزش دین (بقره، ۱۵۱)؛ تنوع در محیط آموزشی (کهف، ۷۷)؛ و محیط آموزشی مضر (بقره، ۱۰۲) در این طیف از اجتماع بیان می‌شوند.

- قلمرو مذهبی، محیطی است که در آن، به مذهب و دین و عوامل عقیدتی و مذهبی اهمیت داده شده و این محیط، در تربیت و شکل‌گیری شخصیت و منش انسان‌ها مؤثر است. در واقع، جامعه‌ای که همواره یاد خدا در آن است، با جامعه‌ای که کفر و نفاق و دورویی آن‌را احاطه کرده است، از نظر تربیتی و اثرگذاری بر انسان‌ها یکسان نخواهند بود؛ چراکه، ایمان و تقوای فردی در جامعه آلوده و سرشار از کفر کافی نیست و باید اکثریت آن جامعه اهل تقوا و ایمان باشند. برخی اعمال و برخی مکان‌ها در این قلمرو قرار می‌گیرند. نماز (عنکبوت، ۴۵)؛ زکات (توبه، ۱۰۳)؛ روزه (بقره، ۱۸۴)؛ امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران، ۱۱۰)؛ مسجد (توبه، ۲۸)، (اسراء، ۱) و (توبه، ۱۰۸)؛ مکان در عبادات (بقره، ۱۹۶) و (فتح، ۲۵) را می‌توان عوامل مؤثر در این قلمرو دانست.

- قلمرو فرهنگی در محیط اجتماعی، به معنای دانش و سنت و آداب و رسوم آن اجتماع است. هر فرهنگ رنگ متفاوتی دارد و اثر متفاوتی بر شخصیت و منش انسان‌های جامعه خواهد گذاشت. انسان‌ها از فرهنگ درست و یا نادرست جامعه اثر می‌پذیرند و طبق آن رشد یافته و تربیت می‌شوند و انبیا مسئول تربیت انسان‌ها بوده‌اند، پس با تغییر در فرهنگ نادرست، در واقع انسان‌ها را تربیت می‌کرده‌اند. امروزه نیز چنین است و انسان‌ها از فرهنگ‌های درست و نادرست جامعه اثر می‌پذیرند. گسترش سنت درست (نساء، ۲۶)؛ انجام کار فرهنگی قوی‌تر در مقابله با کار فرهنگی (اعراف، ۱۱۲) را می‌توان عوامل مؤثر ایجاد فرهنگ درست در جامعه و در نهایت تربیت صحیح دانست.

- قلمرو اقتصادی، مال و امور اقتصادی حاکم بر زندگی انسان‌های جامعه را بیان می‌کند؛ چراکه مال و مادیات در زندگی انسان‌ها و در شکل‌گیری خلق و خوی آنها اثرگذار است. قرآن استفاده از مال و ثروت در جهت الهی را مفید و سودرسان و خلاف این را، مضر و آسیب‌رسان دانسته است. اموال، سبب قوام زندگی (نساء، ۵)؛ سقوط انسانیت با اصل شدن مال (توبه، ۲۴)؛ نه فقر نشانه ذلت و نه ثروت نشانه عزت (کهف، ۳۴)؛ مال و ثروت نیکو (فرقان، ۱۸)؛ استفاده از مال برای

رسیدن به عاقبت نیکو (آل عمران، ۱۴)؛ مال‌های حرام (نساء، ۲۹) و (هود، ۸۴) را می‌توان از جمله عوامل تشکیل‌دهنده این قلمرو دانست.

- قلمرو سیاسی، آنچه منسوب به سیاست است را بیان می‌کند و سیاست به معنای هدایت و ارشاد مردم به راه راست و همچنین به معنای فن حکومت و اداره امور داخلی و خارجی کشور است (بستانی، بی تا: ۵۰۶). قرآن حکومت‌های غیرالهی (نمل، ۳۴) و رهبران فاسد (اسراء، ۱۰۳) را باعث ایجاد فساد و ذلت محیط اجتماع و مردم می‌داند. جامعه‌ای که آن را فساد و مکر فرا گرفته است، نمی‌تواند محیط مناسبی برای تربیت و رسیدن انسان به کمال باشد.

محیط غیرانسانی

در این پژوهش، آنچه را که نتوان به انسان نسبت داد، اعم از طبیعت و جغرافیا و ملک، ذیل این محیط قرار می‌گیرد. محقق این محیط را به دو قسم محیط مشهود و محیط نامشهود تقسیم کرده است. در دنباله، این دو محیط تبیین خواهد شد:

محیط مشهود

دو محیط طبیعت و جغرافیا، تحت عنوان محیط مشهود بیان می‌شوند. از آن رو که طبیعت و نقاط مختلف زمین قابل دیدن هستند، عنوان محیط مشهود برای این دو طیف انتخاب شد و گرنه اثر این محیط‌ها بر تربیت، لزوماً قابل مشاهده نخواهد بود.

- محیط طبیعی، آنچه منسوب به طبیعت است، را گویند و طبیعت به مخلوقات و موجودات در جهان گفته می‌شود (بستانی، بی تا: ۵۷۷). این حیطه از دنیا با تمام موجودات و مخلوقات آن، انسان را تحت تأثیر قرار داده و در شکل‌گیری خلق و خوی او اثرگذار است. انتخاب نقطه‌ای غیرقابل کشت توسط حضرت ابراهیم (ع) (ابراهیم، ۳۷)؛ محیطی با آب‌های فراوان و کوه‌های عظیم و باغ‌های زیبا و پرپرکت قوم سبأ (سبأ، ۱۵)؛ سرزمین نرم و سخت قوم تمود (اعراف، ۷۴)؛ همگی نشان‌دهنده عظمت الهی و اثر این محیط‌ها بر خلق و خوی و تربیت انسان‌هاست.

- محیط جغرافیایی، اثر محیط‌ها و مناطق مختلف زمین، بر شکل‌گیری صفات و کردار انسان را مشخص می‌سازد. امنیت قطعه‌ای از زمین (عنکبوت، ۶۷)؛ مطلوب بودن محیط زیست (یونس، ۹۳)؛ تفاوت شخصیت مردمان روستا و شهر (توبه، ۹۷)؛ نمونه‌هایی از اثر محیط‌ها و مناطق مختلف زمین بر تربیت انسان است.

محیط نامشهود

عنوان محیط نامشهود، از آن جهت که عوامل این محیط قابل دیدن نیستند، انتخاب شده است. ملائکه و شیطان در ذیل این محیط قرار می‌گیرند.

- ملائکه موجودات پاک و فرمان‌بردار هستند که خداوند به آنها مأموریت‌هایی را محول فرموده تا در عالم انجام دهند. هر یک از ملائکه وظیفه و رسالت خاصی برعهده دارند (قدر، ۴) (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۲۷۶ و ۲۸۸). کمک کردن به انسان‌ها (مریم، ۱۹)؛ حفاظت از انسان‌ها در مقابل بلاها و حوادث (رعد، ۱۱)؛ برطرف کردن دلهره از دل مؤمنان (فصلت، ۳۰)؛ دعا برای انسان (شوری، ۵) و (غافر، ۷) را می‌توان از اثرات ملائکه در محیط نامشهود بر انسان دانست. درنهایت، انسان اگر از احوال فرشتگان نسبت به خویش باخبر باشد و بداند که در محیط غیرانسانی که قابل رؤیت نیست، فرشتگانی هستند که بر او اثر گذاشته و اعمال او را نوشته و به او کمک می‌کنند، دست از معصیت برداشته و حفاظت ملائکه از خویش را با گناه از دست نخواهد داد.

- شیطان، بر انسان تسلطی ندارد و کار او فقط وسوسه قلبی و بهترنمایاندن بدی‌ها و زشت‌نشان‌دادن خوبی‌هاست (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۳۲ و ۳۵). طبق عبارات «أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي» (کهف، ۵۰) و «إِنَّهُ يَرْتَكِبُ هُوَ وَ قَبِيلُهُ» (اعراف، ۲۷)، شیطان تنها ابلیس نیست و یار و قبیله دارد. آیه ۳۸ سوره نساء^۱، بدترین قرین و دوست را دوستی با شیطان می‌داند و تأثیرپذیری انسان از دوست و اثر دوست بر شخصیت انسان بسیار زیاد است؛ اما باید اظهار داشت که شیطان را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر خدا توکل می‌کنند، تسلطی نیست^۲. روحی که از خداوند نور بگیرد، روی جسم هم که اثر گذارد تأثیرش سبب متعادل شدن روح می‌شود. پس اگر روح انسان از خداوند تأثیر نگیرد، از خیالات و وهمیات شیطانی تأثیر می‌پذیرد و در این صورت، انسان در راهی غیرالهی قدم گذاشته و تربیتی غیرالهی را پذیرفته است.

محیط غیردنیوی

این طیف از پژوهش، اثر محیط برزخی و اخروی در زندگی دنیایی انسان را بیان کنند. بنابراین باید در نظر داشت که این دو محیط، به‌تنهایی مدنظر این پژوهش نیستند.

۱. وَ مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانَ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (نساء، ۳۸).

۲. إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (نحل، ۹۹).

محیط برزخی

برزخ به معنای واسطه و حایل میان دو چیز است. عالم مرگ را برزخ گویند، چون میان زندگی دنیا و آخرت واسطه است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۸۱). مراد از آیه ۲۰ الرحمن که فرمود: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»، این است که برزخ در پیش روی انسان قرار دارد. توجه به آیاتی از قبیل آیه ۲۰ سوره احقاف^۱، که در این حیطه بیان شده است، نقش مهمی در تربیت انسان دارد؛ چراکه بزرگ‌ترین عامل بازدارنده انسان از گناه و خطا، ترس از مرگ است. زمانی که مسئله مرگ پیش آید، عالی‌ترین قدرتمندان و بزرگان جهان، همه شئونات خویش را در پای زنده ماندن قربانی کرده و به پست‌ترین مردان جهان خاضع می‌شوند و بالاترین ذلت را قبول می‌کنند؛ ولی اگر انسان‌ها بدانند که مرگ در راه خداوند همان زندگی است، شکست‌ناپذیر خواهند شد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۸۱). توجه به محیط دوزخ، می‌تواند عاملی مهم در بازدارندگی انسان از گناه و عاملی برای تربیت وی باشد.

محیط اخروی

در قرآن به قیامت و نشاء دیگر «دارالآخره» و «یوم‌الآخر» اطلاق شده است و این از آن‌روست که زندگی دنیا، اول و زندگی عقبی، آخر و پس از آن است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۵). قیامت، روز زنده شدن و روز برخاستن از قبرهاست. دقت در آیات و برخی از روایات نشان می‌دهد که قیامت تکامل عجیبی است و زندگی فعلی به تدریج به آن خواهد انجامید و اکنون همه انسان‌ها به سوی آن در حرکتند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۵۴)؛ چراکه دنیا و آخرت به یکدیگر مربوطند و ویرانی هریک بر دیگری اثر می‌گذارد. اصولاً اندیشه درباره یکی از این دو حیطه به تنهایی، نمی‌تواند ترسیم صحیحی از واقعیت این عالم در اختیار انسان بگذارد؛ چراکه هریک از این دو حیطه، بخشی از این عالم است؛ دنیا بخش کوچک‌تر و آخرت بخش عظیم‌تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۲۲). در این راستا، آیه ۲۰۱ سوره بقره^۲ بیان می‌دارد که دنیا و آخرت با یکدیگر منافاتی ندارند و تلاش انسان در دنیا می‌تواند در راستای آخرت باشد. مثلاً درخواست حسنات در دنیا توسط انسان، با نیت الهی صورت بگیرد و تلاش انسان در این باشد تا زندگی دنیوی او، رنگ اخروی پیدا کند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۵۵).

۱. وَ يَوْمَ يُغْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (احقاف، ۲۰).

۲. وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره، ۲۰۱).

به‌طورنمونه، عبارت «يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» در آیه ۷۴ سوره نساء، انسان‌هایی را بیان می‌کند که زندگی دنیایی خود را می‌فروشند، در عوض آخرت را می‌گیرند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۷۱). این گونه انسان‌ها می‌دانند، دنیا با همه منافع و زرق و برقی که دارد، در برابر آخرت اندک است «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (نساء، ۷۷) (مترجمان، ۱۳۶۰، ج ۵: ۲۴۵). پس این افراد، با اعتقاد به این موضوع، از تربیت صحیحی برخوردار خواهند شد؛ چراکه رشد و پرورش انسان در تشخیص جایگاه دنیا از آخرت است و ایمان به ناپایداری دنیا و پایداری آخرت زمینه رشد و سعادت انسان^۱ و همچنین قوی‌ترین انگیزه برای انجام اعمال صالح توسط انسان است^۲ و اعمال صالح، سبب شکل‌گیری شخصیتی صالح خواهند شد.

بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالب به‌دست‌آمده در این پژوهش، محیط، طیف گسترده‌ای از آیات قرآن را دربرمی‌گیرد. محیط در معناهای مختلفی به کار رفته است که بسیاری از معناها، محیط اطراف انسان و پیرامون او را بیان می‌کنند. برخی آیات به محیط‌بودن خداوند بر تمامی چیزها و تمامی انسان‌ها دلالت دارند. از نظر محقق، این آیات اهمیت الهی‌بودن امور را در هر محیطی می‌رساند؛ یعنی خداوند محیط بر همه چیز و همه کس است و از طرف دیگر همه انسان‌ها در محیط‌های مختلف قرار می‌گیرند؛ پس محیط‌های که الهی‌اند، انسان را به تربیت صحیح رسانده و محیط غیرالهی، انسان را به بیراهه می‌برند.

آیات مرتبط با طیف محیط را می‌توان در دو قسم اصلی محیط‌های دنیوی و محیط‌های غیردنیوی و در چهار قسم فرعی، محیط انسانی و غیرانسانی و محیط برزخی و اخروی قرار داد. از منظر قرآن، تمامی محیط‌های بیان‌شده می‌توانند آسیب‌زا و یا زمینه‌ساز تربیت باشند و درنهایت، آثار فراوانی بر تربیت و پرورش انسان برجای بگذارند.

با نگاهی کلی به مطالب ارائه‌شده در این پژوهش می‌توان گفت که محیط بخش غیرقابل‌انکار در زندگی هر فرد است. محیط جبرآفرین نیست، اما به‌عنوان عاملی در تربیت بیان شده که در آن

۱. وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ، يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (غافر، ۳۸ و ۳۹).

۲. وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَعْلَمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره، ۱۱۰).

نقش داشته و بر آن اثرگذار است. هر فرد در محیطی به دنیا آمده و رشد می‌یابد و هر فرد حیطه‌ای برای خود ایجاد کرده و از آن اثر می‌پذیرد. محیط می‌تواند بستری برای رسیدن فرد به پروردگار بوده و یا بستری برای دور کردن او از خداوند باشد. طبق این پژوهش، هر محیطی که انسان را به خداوند نزدیک‌تر کند، مناسب‌تر است و نقش و اثر بهتری در تربیت دارد و هر محیطی که از یاد خداوند تهی باشد؛ هر چند محیطی سرشار از نعمت‌ها و لذات دنیوی باشد و امکانات مناسب جهت تربیت را دارا باشد، طاغوتی است و انسان را به راه‌های ناصواب و تربیت ناصحیح می‌کشاند.

محیط خانواده یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین محیط‌ها بر تربیت فرد بیان شد. پدر و مادر در این محیط نقش مهمی برعهده دارند. آنها الگو و سرمشق کودکان در محیط خانه‌اند. هر عملی که از آنها سرزند در کودک اثرگذار است. گاهی والدین فطرت پاک و خداجوی کودک را به کفر و آیین‌های انحرافی می‌کشاند. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «هر فرزندی، به‌طور فطری، خداشناس و مؤمن است، مگر آنکه پدر و مادر او را تغییر دهند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۲۸۲؛ به‌نقل از قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۱۲). ذیل آیه ۴۶ سوره هود، خداوند فرزندان نوح (ع) را اهل و خانواده او نمی‌داند. خداوند به‌وسیله جمله «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود، ۴۶) بیان فرمود که او به‌خاطر کفر و رفتار بدی که داشت، از تحت احکامی که مخصوص خاندان او بود بیرون رفت. از عکرمه نقل شده که گفته است: وی پسر نوح بود، اما در عمل و هدف مخالف او بود و از این رو به او گفته شد «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» (مترجمان، ۱۳۶۰، ج ۱۲: ۶۸). از عبارات فوق می‌توان استنباط کرد؛ فرزندخوانده در صورتی که بر دین و آیین خانواده باشد، اهل خانواده محسوب شده و تمامی اعمال و رفتار پدر و مادر با او باید همانند سایر فرزندان باشد. درنهایت طبق جملات ارائه‌شده، محیط خانواده‌ای که الهی باشد، محیط مناسبی برای پرورش و تربیت انسان است. اقتصاد، طعام، فرهنگ و تمامی موارد بیان‌شده در مقوله‌بندی باید در جهت رضایت الهی باشند تا فرد را به‌طور صحیح تربیت کنند و گرنه اثر منفی بر فرد خواهند داشت.

همچنین، فرد پس از محیط خانواده با توجه به طبع مدنی که دارد، وارد جامعه شده و این محیط نیز بر فرد اثرگذار است. محیط جامعه از قلمروها و محیط‌های مختلفی تشکیل شده است و هر کدام از آنها اثرات متفاوتی را بر فرد دارند، به‌طوری که سعادت هر فرد در گرو سعادت جامعه است. طبق مطالب ارائه‌شده در مقوله‌بندی، تربیت فرد در جامعه‌ای فاسد بسیار دشوار و یا حتی محال است. قرآن در اصلاح جامعه که نتیجه آن اصلاح فرد است، اهتمام ورزیده است. اعمالی از جمله

نماز، روزه، زکات در محیط اجتماعی، در جهت صالح‌سازی فرد و اجتماعند. جامعه‌ای که موافق و همراه با احکام الهی و دستورات دین پیش رود، محیطی است که می‌تواند تربیت فرد را تضمین کند و جامعه‌ای که الهی نباشد و طاغوتی و طبقاتی باشد، فرد در آن به گمراهی رفته و محروم از تربیت صحیح می‌شود. اساسی‌ترین کار در جامعه می‌تواند درهم‌شکستن چهارچوب‌های غلط آن باشد. جامعه را باید به سوی الهی شدن پیش برد تا همه انسان‌ها از تربیت صحیح برخوردار شوند.

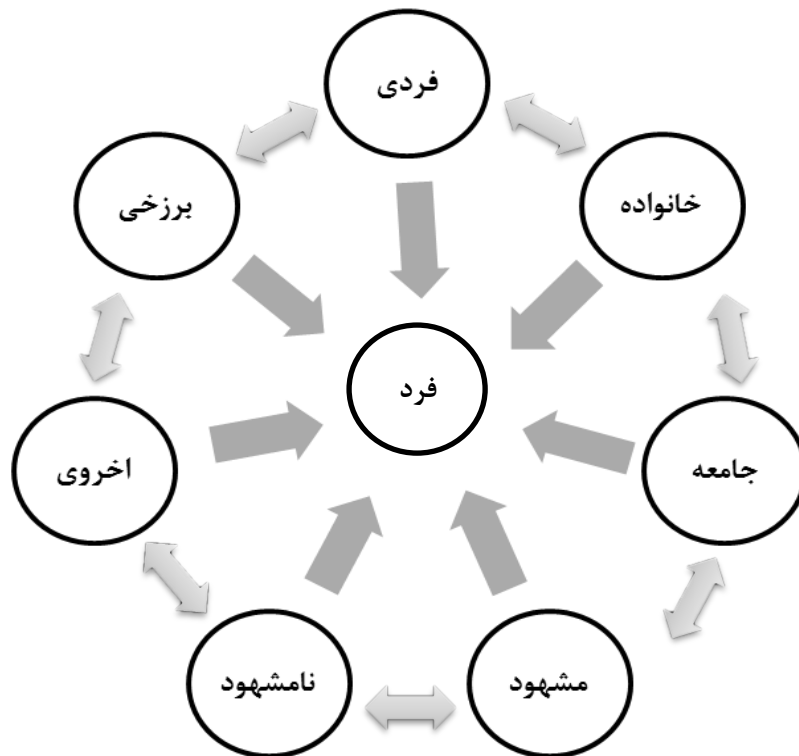
محیط فردی نیز نقش و جایگاه ویژه‌ای در تربیت دارد. هر انسانی می‌تواند از محیطی که در آن زندگی می‌کند، نهایت استفاده را جهت رشد و پرورش خویش برده و احساس و فهم خود را از این جهان مادی گسترش دهد. او می‌تواند با تعامل بین روح و جسم، صبر، علم، تزکیه نفس و عواملی که در این حیطه بیان شد، قدرت روحی خود را افزایش دهد. کسی که احساس و فهم او تنها در سطح زندگی ظاهری دنیوی است، نمی‌تواند از حقیقت و خصوصیات و آثار زندگی روحی آگاه شده و آن را لمس کند. انسان‌هایی که فقط محیط دنیوی و مادی را دیده و از حقیقت اخروی غافلند، رشد روحی را کسب نکرده و تربیت نمی‌شوند. این‌چنین افرادی از سخن‌ها و بحث‌هایی که مخالف برنامه‌های دنیوی او باشد، گریزانند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۳۳۶ - ۳۳۷). انسان‌های تربیت‌شده که از حقیقت روحی و کمال وجودی خویش آگاه شده‌اند، می‌توانند هم بر خود اثر نیکوتری برجای بگذارند و هم دیگران را تربیت کنند. وجود چنین انسان‌هایی در هر محیط اعم از خانوادگی و اجتماعی، می‌تواند مایه سعادت بقیه افراد آن محیط شده و آنها را در جهت مثبت تربیت کرده و پرورش دهد.

محیط در تربیت انسان اثرگذار است و این موضوع از منظر قرآن کریم که قاطع‌ترین و بهترین راهنمای تربیت و زندگی انسان‌هاست، تبیین شد. طبق آیات به‌دست آمده، محیط در قرآن در معناهای مختلفی، از جمله احاطه کردن و فراگرفتن، جایی که انسان در آن اقامت دارد، جوانب و اطراف و پیرامون، دوران، حفظ، حایل و فاصله، سرزمین و محیط زندگی هر قوم، پناهگاه، مکان و جا، محیط زندگی، خانه، جایگاهی که در آن ساکن شوند و فضا به کار رفته است. پس می‌توان از واژه محیط در قرآن، معنای محیط زندگی و جایی را که انسان در آن زیست می‌کند، برداشت کرد. همچنین محیط در قرآن یکی از صفات الهی است که به معنای احاطه خداوند و محیط‌بودن او بر همه چیز و همه کس آمده است.

بنابراین، محیط مفهوم بسیار گسترده‌ای است که انواع مختلفی را شامل می‌شود. طبق آیات

به دست آمده؛ دسته‌ای از آیات، محیط دنیوی و دسته‌ای دیگر محیط غیردنیوی را بیان کردند. در محیط دنیوی، گروهی از آیات به محیط انسانی (محیط فردی و محیط جمعی (خانواده و جامعه))، و گروهی دیگر به محیط غیرانسانی (محیط مشهود (طبیعت و جغرافیا) و محیط نامشهود (ملائکه و شیطان)) اشاره دارند. محیط غیردنیوی نیز دو محیط برزخی و اخروی را شامل می‌شود. محیط دنیوی، هر آنچه در این دنیا هست و محیط غیردنیوی، سرای آخرت و برزخ را که ماورای این دنیا قرار دارند، بیان می‌کنند.

در ذیل، نموداری از "انواع محیط اثرگذار" بر فرد ارائه شده است:



در نهایت می‌توان اظهار داشت که محیط بر تربیت اثر دارد. این محیط‌ها می‌توانند زمینه مناسبی برای تربیت ایجاد کنند و یا بالعکس، اثر منفی بر تربیت گذاشته و به تربیت او آسیب وارد کنند، اما با توجه به نتایج کسب شده از قرآن، محیط جبرآفرین نیست؛ همان‌طور که بسیاری از انسان‌هایی که در محیط‌های بد و شیطانی پرورش یافته ولی خوب و نیکوسیرت شده‌اند و بسیاری از انسان‌ها در

محیط‌های خوب تربیت شده ولی بد و زشت سیرت شده‌اند. قرآن محیط‌های مختلف از جمله خانواده و جامعه و عواملی از جمله اقتصاد و فرهنگ و حتی طعام را بر تربیت مؤثر می‌داند. درمقابل اینها، قرآن از فرد هم سخن گفته و برای او حیطه‌ای مشخص کرده است؛ درحالی‌که کم‌ترین توجه همه انسان‌ها به این محیط است. قرآن از فرد متناسب با توان او انتظار دارد. پس هر شخص در هر محیطی که قرار دارد، باید از شرایطی که دارد، بیشترین بهره را ببرد و از آن محیط، نهایت استفاده را بکند. حیطه فردی در تربیت نقش بسیار مهمی را دارد و کم‌ترین توجهات افراد به محیط فردی و مسئله خودسازی است. همچنین، قرآن ملاک تربیت شدن فرد را الهی بودن او می‌داند و هر محیطی که انسان را به خدا نزدیک‌تر کند، برای پرورش و تربیت انسان بهتر و مناسب‌تر است. درواقع، باید محیط‌هایی را آماده کرد تا زمینه‌ساز تربیت باشند، نه مخرب آن. درنهایت، باید درنظر داشت که محیط در تربیت آنچنان اثر دارد که قرآن در مقابل محیط مخرب، مسئله هجرت را بیان می‌دارد و می‌فرماید اگر در محیط نامطلوب و نامناسبی قرار دارید، هجرت کنید و به محیط دیگری که مناسب و مطلوب است بروید؛ مگر انسانی که ضعیف و ناتوان است.

منابع

قرآن کریم.

- آدلر، آلفرد (۱۳۷۹)، شناخت طبیعت انسان، ترجمه طاهره جواهرساز، تهران: انتشارات رشد.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۲)، مقدمه ابن‌خلدون، ج ۱، ترجمه محمد پروین‌گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- باردن، لورنس (۱۳۷۴)، تحلیل محتوا، ترجمه محمد یمنی‌دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته (رویکردهای متداول در علوم رفتاری)، تهران: نشر دیدار.
- باقری، خسرو (۱۳۹۱)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
- بستانی، فواد افرام (بی‌تا)، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.
- بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی‌نقی و اعرافی، علی‌رضا (۱۳۹۱)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، قم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

جلیلی، محمد (۱۳۸۹)، مروری تحلیلی بر مفهوم محیط در ادبیات روان‌شناسی محیط؛ ماهیت محیط، منظر، (۱۲): ۲۸ - ۳۱.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، ج ۱، قم: مرکز نشر اِسرائ. راغب‌اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (بی‌تا)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی. ربانی، رسول و رضانی، محمد (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر محیط بر رفتار فردی و اجتماعی از دیدگاه ابن‌خلدون، پژوهشنامه انقلاب اسلامی دانشگاه اصفهان، (۱۳): ۵۳ - ۷۲.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۴)، جغرافیای انسانی و مردم‌شناسی، رشد آموزش جغرافیا، (۱): ۲۶ - ۲۸. سجادی، سیدابراهیم (۱۳۷۸)، شهید مطهری و دیدگاه‌های تربیتی قرآن، پژوهش‌های قرآنی، (۱۷ و ۱۸): ۷۴ - ۱۱۷.

شهداد، فرهاد (۱۳۳۸)، محیط و محیط جغرافیایی، رشد آموزش جغرافیا، (۱۸): ۲۸ - ۳۳. عظیمی، محمدعلی (۱۳۱۸)، افکار مونتینی در آموزش و پرورش، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، (۹): ۴۷ - ۵۴. علوی، سیدجعفر (۱۳۸۵)، روش‌های پیامبر اعظم (ص) در مدیریت محیط‌های اجتماعی، نشریه هیات و حقوق، (۲۱ و ۲۲): ۲۴۹ - ۲۷۶.

علوی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی نظریات تربیتی اسلام و زان‌زاک روسو، کرمان: انتشارات دانشگاه شهیدباهنر کرمان.

عمید، حسن (۱۳۷۴)، فرهنگ عمید (سه جلدی)، تهران: انتشارات امیرکبیر. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه. قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن‌الحديث، تهران: بنیاد بعثت. قرشی بنایی، علی‌اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه. مترجمان (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع‌البیان فی التفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی. مصطفوی، میرزاحسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه. موسوی‌همدانی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، اندازه‌گیری تربیتی، (۱۴): ۱۸۷ - ۲۲۲. مهیار، رضا (بی‌تا)، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی.

